



اُتی‌نوو

atiyenow.ir

جامعه

۱۴



## انصراف از جشنواره بخاطر توهین به ایران

تهیه‌کننده و کارگردان «کارواش» با اشاره به انصراف این فیلم از حضور در جشنواره فیلم‌های کردی لندن، گفت: «متأسفانه در یک اقدام سؤال‌برانگیز این جشنواره، مستند «کارواش» که تولیدشده در شهر مریوان استان کردستان ایران است را به کشوری خیالی به نام کردستان شرقی نسبت داده است!»

محسن سخا افزود: «این اقدام جشنواره فیلم‌های کردی لندن را بی‌احترامی به کشور، مردم کشور و سبب ایجاد حس جدایی طلبانه و تجزیه طلبانه سرزمینام «ایران» می‌دانم. مردمی با نژاد و قومیت‌های مختلف که در صلح و آرامش در کنار هم در کشور متحد ایران زندگی می‌کنند. هیچ‌گونه توهینی را نمی‌پذیرم و در همین راستای ایمیلی به دبیر جشنواره از آنها در این مورد توضیح خواستم و ضمناً فیلم‌را از تمام بخش‌های جشنواره خارج کردم.»

سخا در متن ایمیل‌اش به دبیر جشنواره فیلم کردی لندن آورده است: «سینما دریچهای به سوی زیبایی‌های جهان است. سینما دروازه‌ای برای شناخت و معرفی آداب و رسوم همه تمدن‌ها است. سینما پلی است که کمک می‌کند تا مردم از سراسر جهان به یکدیگر نزدیک‌تر شوند. تیم تولید مستند «کارواش» در بستری از همین معانی مراحل ساخت و تولید این مستند را در شهر مریوان از کشور ایران پیش برد، اما متأسفانه با نادیده گرفتن این مفهوم و این کارکرد سینما، منابع رسمی فستیوال به اشتباه، کشور مبدأ این مستند را کردستان شرقی (هیچ کشوری به نام شرق کردستان وجود ندارد)، ذکر کرده‌اند. در حالی که این مستند در استان کردستان از کشور ایران تولید شده است. تیم تولید مستند «کارواش» معتقد است که این حرکت خلاف معنای حقیقی سینما و یک اقدام غیر حرفه‌ای و توهینی به تهیه‌کنندگان و مردم ایران است. با توجه به آنچه که بیان شد، به عنوان تهیه‌کننده اثر، با کمال احترام از شما درخواست می‌کنم مستند کارواش را از تمام بخش‌های جشنواره فیلم کردی لندن خارج کنید. همچنین انتظار آن می‌رود که اشتباه مرتکب شده توسط آن جشنواره در این مورد را پذیرفته و رسماً آن را اعلام کنید.»

پیش از این نیز مستند «فرزندان شب» و انیمیشن «خورشید آسمان، خورشید کاشی» محصول مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از جشنواره فیلم‌های کردی لندن خارج شده بودند. جشنواره فیلم‌های کردی لندن از سال ۲۰۰۱ آغاز به کار کرده است. در این جشنواره فیلم‌های سینمایی، کوتاه، انیمیشن و مستند که ارتباط مضمونی و محتوایی با فرهنگ کردی دارند، به نمایش درمی‌آیند.

به نظر می‌رسد جشنواره فیلم‌های کردی لندن با ترویج و برجسته‌سازی مسائل مورد مناقشه و بی‌پایه و مطرح کردن آنها در بستر سینما و تمایز میان موقعیت سیاسی و فرهنگی مردمان کرد و... در پی تثبیت بستر و ایجاد الگوی است که در لایه‌های زیرین به پدیده جدایی طلبی می‌پردازد و قرائتی وارونه از فرهنگ و هویت کردی به عنوان کهن‌ترین قومیت ایرانی و منطقه را ارائه می‌دهد.

## گفت‌وگو با سعید بشیری، تهیه‌کننده فیلم کارگری «دشت خاموش»

# حوزه کارگری؛ سوژه‌ای پنهان با قابلیت فراوان است

تا این مشکلات حل شود. این قصه می‌تواند در ایتالیا، آمریکا، ژاپن صنعتی یا هر جای دیگری در دنیا بیان شود؛ چرا که مشکلات کارگران در همه جای دنیا وجود دارد، اما می‌خواستم قصه متعلق به گذشته ایران باشد، بنابراین در اوایل دهه ۱۳۵۰ اتفاقات فیلم رخ می‌دهد که به شیوه سیاه و سفید و چهار به سه گرفته شده است.» در این شماره گفت‌وگویی ترتیب دادیم با سعید بشیری، تهیه‌کننده موفق فیلم به پنهان روز جهانی کارگر.

بازار همه از جمله سینما کساد کرده است. به هر حال همان‌طور که اشاره کردم این خلاء همچنان در سینمای کشورمان وجود دارد. چرا شما به این حوزه وارد شدید و خطر ریسک آن را به عنوان تهیه‌کننده پذیرفتید؟ دلیل اصلی آن چه بود؟ نکته مهم برای من، حضور احمد بهرامی بود. همان‌طور که می‌دانید فیلمنامه این فیلم توسط خود او نوشته شده است. بهرامی ابتدا پیشنهاد ساخت فیلم را با من مطرح کرد که قصد دارم فیلمی با این مضمون بسازم و من نیز تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده گرفتم و خوشحال‌ام که با تلاش همه عوامل دست‌اندر کار فیلم کار خوبی از آب درآمد و توانست خوش بدرخشد.

آیا حاضرید به عنوان یک تهیه‌کننده دوباره وارد این حوزه شوید؟ قطعاً! به نظر من، سوژه‌سازی و سوژه‌یابی در سینما حد و مرزی نمی‌شناسد و فیلمسازان ما باید با دیدی باز تر به اطراف خود بنگرند و سوژه‌یابی کنند و مسائل و مشکلات اقشار مختلف جامعه از جمله افرادی که حق آنان به نوعی ضایع شده و یا می‌شود را به تصویر بکشند. به نظر من، اکنون وقت آن فرا رسیده تا فیلمسازان ما این تابو را درهم بشکنند و قدرت ریسک خود را بالا ببرند تا مانیز شاهد تولید آثار در هر طیف و زمینه‌ای در کشورمان باشیم؛ به‌ویژه سوژه‌هایی که اکنون مورد غفلت واقع شده یا به آنان کمتر پرداخته‌اند. آن وقت است که سینمای ما حرفی برای گفتن دارد و ما می‌توانیم سینمای خود را به دنیا معرفی کنیم؛ مانند کاری که آقای بهرامی با تیم‌اش در «دشت خاموش» کردند.

به این حوزه وارد نمی‌شوند از نظر شما چیست؟ شاید بتوان دلیل اصلی این موضوع را با توجه به حال و هوای سینمای کنونی کشورمان، ریسک بالای وارد شده تهیه‌کنندگان و کارگردانان کشورمان به این حوزه ارزیابی کرد و اینکه شاید از نظر آنان این حوزه جذابیت و گیرایی چندانی از نظر تماشاگر ندارد و یا سوژه‌سازی و نوع کار در این حوزه بسیار سخت است و آنان ترجیح می‌دهند برای فروش و ادامه کار و عدم شکست فیلم از نظر فروش به سوژه‌های دیگری بپردازند که از نظر مخاطبان گیرایی و جذابیت بالایی دارد و امکان شکست در آن کم است. البته آنان نیز برای خود دلایل موجهی دارند. کار کردن و ساخت فیلم در شرایط کنونی کشور بسیار سخت و دشوار است؛ به‌ویژه کرونا که

که در یک محیط کارگری زندگی می‌کنند و توانسته است به عنوان نماینده سینمای ایران در بخش اقیانوس هفتاد و هفتمین دوره جشنواره فیلم ونیز برنده جایزه بهترین فیلم شود. بهرامی که نویسنده‌ی این فیلم را نیز بر عهده دارد در جایی گفته بود: «سعی کردم در این فیلم نگاه انسانی و جهانشمول باشد. همان‌طور که کارگران مشکل دارند، کارفرمایان نیز مشکلاتی دارند و وقتی عمیق شوید می‌بینید که هر دو طرف خواسته‌های بحق دارند که مانند پاندول ساعت در حال رفت‌وآمد است و یک همت جمعی از هر دو سو می‌خواهد

که قبلاً به این موضوع اشاره کردم خلق یک اثر سینمایی یک کار تیمی است که فیلم «دشت خاموش» به کارگردانی آقای بهرامی توانست به این موفقیت دست یابد. سوژه این فیلم در مورد یک کوره‌پز خانه در حاشیه یک شهر است و انسان‌هایی که در آنجا مشغول به کار هستند؛ انسان‌های ضعیف جامعه با حقوق کارگری بسیار اندک که همان حقوق نیز چندین ماه است به آنان پرداخت نشده، اما هیچکس صدای آنان را نمی‌شنود. صدای آنان «خاموش» است؛ در «دشتی» که خاموشی بر آن حاکم است. این روال همچنان ادامه دارد و گویی قرار نیست این ساختار درهم شکسته شود.

بنابراین شما معتقدید دلیل استقبال و کسب جوایز و موفقیت این فیلم در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی، نوع نگاه فیلمساز به این قشر از جامعه است؟ بله. در نظر داشته باشید فیلم «دشت خاموش» فیلمی اصیل است و کپی‌برداری شده نیست. فیلم سوژه ناب دارد. از نظر مضمون نیز فیلم به حقوق بشر، کودکان کار، اختلاف طبقاتی، حاشیه‌نشینی، نژادپرستی، مهاجرت، تنهایی، مشقت، مصائب و رنج انسان‌های امروز اشاره می‌کند و آن را به تصویر می‌کشد که در دنیای امروز این مشکلات به وفور در سرتاسر دنیا یافت می‌شود و هر روز نیز این نوع نگاه از اقشار فرادست به اقشار فرودست جامعه همچنان در جهان در حال گسترش است.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی جذب و به دست آوردن جوایز فراوان و همچنین مورد اقبال و توجه واقع شدن این فیلم در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی نیز همین نوع نگاه فیلمساز و خلق و سوژه‌سازی و به نوعی

گفت‌وگو  
کارگردان جهان فیلمسازی جایگاه عجیب و تأثیرگذاری داشته و دارد. در حقیقت نمایش جایگاه وضعیت (غالباً) فلاکت‌بار معیشت کارگران بر روی پرده نقره‌ای جذابیتی دارد که کمتر فیلمسازی از آن می‌گذرد. نکته مهم در این میان، پرداخت صحیح به وضعیت زندگی کارگران است؛ جایی که نشان از شرافت، تلاش و راضی به روزی بودن داشته باشد. «دشت خاموش»، ساخته احمد بهرامی، آخرین نمونه از این رویه موفق است. فیلمی که به شرایط دشوار کاری و روابط انسانی پیچیده چند خانواده می‌پردازد

آقای بشیری، رمز موفقیت و استقبال از «دشت خاموش» و همچنین نوع نگاه ویژه سایر هنرمندان و فیلمسازان بین‌الملل و جشنواره‌های دیگر کشورها به این فیلم از نظر شما چیست؟

ببینید در حوزه سینما و هنر نمایش، همان‌طور که می‌دانید، تولید و خلق یک اثر هنری، نه در کشور ما بلکه در سطح جهان، توسط یک یا دو فرد انجام نمی‌پذیرد و مانند یک تیم ورزشی که از عوامل مختلفی مانند سرمربی، لیبرها، بازیکنان و... تشکیل می‌شود، تولید یک فیلم نیز به عوامل خود نیازمند و وابسته است و هر چقدر تیم یکدست و همدل و از تجربه و ذوق هنری بالایی برخوردار و در انتخاب سوژه، بازیگران، دکور و... دقت کافی داشته باشند، طبیعی است که در تولید اثرشان بسیار تأثیرگذار است. در این زمینه کافی است شما به آثار فاخر سینمای ایران نگاهی بیندازید تا متوجه شوید که این آثار توسط چه هنرمندانی تولید شده که در یادها جاودانه شده‌اند. اما در مورد «دشت خاموش»؛ در نظر داشته باشید این فیلم توسط هنرمندی مانند آقای بهرامی، کارگردانی شد که از هر نظر بر کار و سوژه مسلط بود و بر آن احاطه کامل داشت و از سایر عوامل دست‌اندر کار ساخت فیلم نیز به خوبی بهره گرفت. در بخش بین‌الملل نیز همان‌طور که می‌دانید باید یک فیلم از نظر سطح‌بندی و رعایت استانداردها و دقت لازم و بهره‌گیری از بازیگران و همچنین سوژه مناسب و سایر عوامل امتیازها و استانداردهای لازم را به دست آورد تا در یک رقابت نفسگیر موفق به کسب جایزه شود؛ آن‌هم در رقابتی با حجم بالای تولیدات و طیف وسیعی از شرکت‌کنندگان از سایر کشورها. همان‌طور



اعظم زنگی

روزنامه‌نگار

سوژه این فیلم در مورد یک کوره‌پز خانه در حاشیه یک شهر است و انسان‌هایی که در آنجا مشغول به کار هستند؛ انسان‌های ضعیف جامعه با حقوق کارگری بسیار اندک که همان حقوق نیز چندین ماه است به دست آورده شده است. این فیلم در جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی موفقیت‌های زیادی داشته است و به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های ایرانی در دهه ۱۳۵۰ شناخته می‌شود.